

تعطیلی «هفت» ادامه دارد

■ **شرق:** ظاهرا تبعات برنامه «هفت» بعد از دو هفته تعطیلی به ظاهر موقت آن هنوز پایان نیافته است و قرار است ادامه داشته باشد. در حالی که «محمد خراسی» که قرار بود تهیه‌کننده تازه این برنامه باشد؛ می‌گوید که از این کار منصرف شده است؛ ساخت مجموعه تلویزیونی فصل بی‌پروایی به کارگردانی «فریدون جیرانی» که دلیل تلویزیون برای حذف او بود، نیز به تعویق افتاده است. البته مدیر تولید این مجموعه تلویزیونی می‌گوید که به دلیل مشکلات فیلمنامه تولید کمی به تأخیر افتاده و بعد از بازنویسی مجدداً از سر گرفته می‌شود.اما به نظر می‌رسد که نام عدد خوش‌یمن «هفت» برای این برنامه تلویزیونی نخب‌شده است. تنها پاک‌روان، مدیر تولید مجموعه تلویزیونی «فصل بی‌پروایی» با رد شایعات با اعلام اینکه به درخواست مدیران «شبکه یک» به‌عنوان سفارش‌دهنده این سریال، کار در مرحله بازنویسی قرار دارد، به مهر گفت: با پایان بازنویسی فیلمنامه وارد مرحله تولید خواهیم شد و برای سفر به ارمنستان و ترکیه نیز برنامه‌ریزی می‌کنیم. اما ردسوی دیگر محمد خراسی هم که قرار بود بعد از جام ملت‌های اروپا تهیه‌کنندگی مجموعه «هفت» را به عهده بگیرد درباره رد پیشنهاد تهیه‌کنندگی این نامه به فارس گفت: پس از برگزاری جلسات متعدد و صحبت دوستان با بنده برای پذیرفتن مسوولیت تهیه‌کنندگی برنامه تلویزیونی «هفت»، به دلیل مشغله‌های فراوانی که داشتم، اعلام کردم نمی‌توانم این مسوولیت را بپذیرم. امیدوارم این برنامه با داشتن هر تهیه‌کننده و مجری‌ای بتواند در مسیر صحیح خودش گام بردارد. «هفت» برنامه بسیاری مهمی است که می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد. این برنامه دست هر کسی که باشد باید برای اعتلای سینمای ارزشی ایران گام‌های اساسی بردارد. خراسی ادامه داد: برنامه «هفت» در طول این دو سال با حضور آقای جیرانی تأثیرگذار و جریان‌ساز بود و توانست پالگهی ایجاد کند که مشکلات سینمای ایران بررسی شود.امیدوارم دوستانی که مسوولیت تهیه و اجرای این برنامه را به عهده می‌گیرند، آزاد عمل داشته باشند تا بتوانند براساس گفت‌وگو و چالش، فضای خوبی برای سینمای ایران ایجاد کنند، در غیر این صورت این برنامه سفارشی خواهد شد. برنامه تلویزیونی هفت که بعد از دو سال از نوروز سال جاری با اجرای فریدون جیرانی با رویه انتقادی روبه‌رو شد، به دلیل فشارهایی از سوی برخی از رسانه‌های اصولگرا دست به تغییراتی زد و در نخستین اقدام فریدون جیرانی را به پهنانه ساخت سریال حذف کرد. در این مدت گزینه‌های زیادی برای اجرا در این برنامه معرفی شدند که در نهایت از «محمود گبرلو» به عنوان مجری و «محمد خراسی» به عنوان تهیه‌کننده اسم به میان آمد.

دور دنیا

■ انتشارات «آلفا گوارا» پس از مرگ «فونتنس» اعلام کرد، دو رمان منتشر نشده از کارلوس فونتنس، نویسنده فقید مکزکی، با نام‌های شخصیت‌ها (Personas) و فدریکو در بالکن خانه‌اش (Federico en su bacon) را تا اواخر امسال در آمریکا منتشر خواهد کرد. کتاب شخصیت‌ها، که به گفته ناشر تا اگوست امسال در آمریکا توزیع خواهد شد، مشتمل بر خاطراتی است که فونتنس در دوران زندگی با شخصیت‌های متفاوت ملاقات داشته و از آنها تأثیر پذیرفته است. برخی از شخصیت‌هایی که در این کتاب به آنها اشاره شده عبارتند از: لوئیس بونول، آندره مالرو، پابلو ترواد، خولیو کورتاسار، آرتور میلر، ماریا سامبرانو...و.

کارلوس فونتنس در دیگر اثر خود با عنوان فدریکو در بالکن خانه‌اش، دیالوگی خیالی با فردیک پوچ، فیلسوف شهیر آلمانی، را ترتیب داده و به پرسش و پاسخ با او پرداخته است.

ادامه از صفحه ۱۲

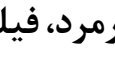
کجای جهانید آقایان؟

اینکه از سر شوخی یا خوش‌باشی، دایم به طرف همدیگر متکا برتاب کنند و الفاظ دشنام‌گونه بین‌شان ردوبدل شود و از اینها البته‌فهرته‌ زیبایی آرنج و پوست بدن خود را به رخ هم بکشند، اینکه بازیگری که البته چندان با سابقه‌اش آشنا نیست میهمانی‌اش را در رستوران بزرگی که دارد برگزار کند، چه الگویی پیش روی جوانانی می‌گذارد که سال‌ها درس بازیگری می‌خوانند و دست‌شان هم به جایی بند نمی‌شود؟ خنده‌های لوس یکی از میهمانان که اتفاقا کم‌دین خوبی هم هست و دارد می‌رود که به کم‌دیساز خوبی هم بدل شود به صرف اینکه به گفته یکی از میهمانان «کودک درونش زنده است» و توجیهاتی از این قبیل چه تصویری از هنرمند در آذهانش توده مردم به‌جا می‌گذارد؟ بگذریم که در میان این چهار نفر سروش صحت ثابت می‌کند که در بداهه‌گویی و نکته‌سنجی، ید طولایی دارد و در آرایه تصویری از خود، رعایت تعادل را هم می‌کند تا بینندگان نسبت به او دچار عقده حقارت نشوند. سروش به دلیل سواد و شناختی که از جامعه دارد و هوشمندی‌هایش در پاسخ دادن به حرف‌های رقیب، ستاره این مجموعه است. به هر حال باید به سازندگان این مجموعه گفت آقایان شما که در برنامه‌تان جا و بی‌جا درس اخلاق هم می‌دهید، این جور بازی‌ها مال جوامعی است که مردمش در تنگنای معاش نیستند، خرج و دخل‌شان دست‌کم مساوی است. شما لطفاً به خودتان نگاه نکنید، به میلیون‌ها مردمی نگاه کنید که حتی همین برنامه شما را هم با زدن از مخارج ضروری زندگی‌شان تهیه می‌کنند و گاهی هم از سر نداری ناگزیرند، کبی دست دومش را از این و آن بگیرند. لطفاً به دور و برتان هم نگاه کنید.

رییس هیات‌مدیره خانه سینما گفته است: «باز گشایی خانه سینما باید در فضای مطلوب و بدون تنش صورت بگیرد.» این همان خواسته این روزهای سینماگران است. در فضایی که مدام بر از تنش و تناقض است، در فضایی که فروش فیلم‌ها و استقبال از آثار سینمایی به پایین‌ترین میزان خیزان رسیده است. فرهاد توحیدی دلیل خوبی آورده است: «با توجه به حکم صادر، رایتزها برای آغاز فعالیت‌های رسمی خانه سینما در جریان است تا اعضای جامعه اصناف سینمای ایران ظرف چند روز آینده در فضای آرام و بی‌دغدغه کارشان را آغاز کنند.»در جدیدترین اظهار نظر منفی مبتنی بر ادامه تعطیلی، دبیر هیات رسیدگی به امور مراکز فرهنگی اعلام کرد: «از آنجا که طبق قانون، مرجع رسیدگی صدور مجوز و تأسیس فعالیت موسسات فرهنگی و هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، نظر رسمی این هیات در موضوع فعالیت مجموعه موسسوم به «خانه سینما» همچنان مبنی بر بی‌توجهی به ضوابط و مقررات از سوی این مجموعه است و هرگونه فعالیت

ساسان گلرف: آخرین روزها و شب‌های شصت و پنجمین دوره جشنواره فیلم کن سبیری شده و جوایز پخش‌های جنبی هفته منتقدان، دو هفته کارگردانان و «سینه فونداسیون» اعلام شده است، با این حال مساله اصلی برای علاقه‌مندان به سینمای به اصطلاح «هنری» همچنان حل‌نشده باقی مانده است: کدام فیلم قرار است نماینده و چهره «هنر» سینما برای سال ۲۰۱۲ باشد؟ اسامی برندگان جوایز فرعی در دو، سه روز آخر از دوره ۱۱روزه جشنواره کن مشخص شد. «آنجا و آنجا» ساخته آنتونیو مندز اسپرزا/محمول مشترک ک اسپلیدا آمریکا و مکزیک جایزه بزرگ این بخش را دریافت کرد و «آخرین آمبولانس سوفیا» محصول آلمان، بلغارستان و کرواسی به کارگردانی ایلیان متف جایزه «فرنس ۴ ویزیتی» این بخش را به خود اختصاص داد. فیلم «نه» محصول مشترک شیلی، آمریکا و مکزیک به کارگردانی پابلو لارن با بازی گائیل گارسیا برنال که به ماجرای کارزاری تبلیغاتی برای مقابله با دیکتاتوری پینوشه در شیلی پرداخته است، توانست جایزه بهترین فیلم بخش دو هفته کارگردانان و همین‌طور جایزه «هنر سینما»ی این بخش را از آن خود کند و «توبه» مرزق لوش که محصول مشترک الجزایر و فرانسه بود، برنده جایزه «سینمای اروپا» در این بخش شد. فیلم ایرانی «خاک‌نواده محترم» به کارگردانی مسعود بخشی‌ی نیز در فیلم‌های دو هفته کارگردانان حضور داشت که موفق به دریافت جایزه نشد. در بخش «سینه فونداسیون» جایزه اول ۱۵هزار یورویی به «راهی به سوی» تابیسا ایگوئمنتسوا از مدرسه VGIK، روسیه، رسید، «بیگیل» متیو جیمز ریلی از دانشگاه نیویورک برنده جایزه دوم ۱۱۲۵۰ یورویی و «مجرئی‌ها» به کارگردانی میگوئل آنخل مولت از مدرسه EICTV کوبا برنده جایزه سوم به ارزش هفت‌هزار و ۵۰۰ یورو شد. یکی از آثار به نمایش درآمده در بخش اصلی در روزهای پایانی، «سهم فرشتگان» کن لوچ انگلیسی بود که بسیار مورد توجه قرار گرفت. جانات سترینگ، رییس بخش انتخاب فیلم‌های سلدننس گفت «ذاتی متعالی» در نمایش این فیلم وجود دارد و آن را «دستانی درباره به رستگاری رسیدن که عمیقاً احساس

هوشنگ کامکار و آلبوم جدید



شرق: هوشنگ کامکار آهنگساز و سرپرست گروه «کامکار» در حال حاضر مشغول آمادسازی یک سی دی باالشعار محمد رضا رفیعی کدکنی است. او در این باره گفت: قصد دارد امسال این سی دی را بعد از اخذ مجوز منتشر کنیم. قطعات این سی دی همگی آماده ضبط هستند و اگر بتوانم اسپانسر پیدا کنم آن را زودتر منتشر خواهم کرد.»

آسوشیتدپرس: تا پیش از آنکه «تادوشی اوکونو» ۸۲ساله در فیلم «عباس کیارستمی» نقش اول را بازی کند پایش را از زاین بیرون نگذاشته بود و حالا او روی فرش قرمز جشنواره کن راه می‌رود. «مانی که کیارستمی را آغاز شد عبس به من گفت که ما با هم به جشنواره کن می‌رویم، مینی؛ ولی من به کیارستمی گفتم نه من دوست ندارم به خارج از کشور سفر کنم.» او اوقات سخت و شادی را در کن سپری می‌کند. زمانی که به او خبر داده شد که برای تست بازیگری در فیلم کیارستمی انتخاب شده اصلا نام کیارستمی را هم نشنیده بود. بعد از آن آمیدوار شد که شاید نقش کوچکی در فیلم بازی کند؛ مانند بسیاری از نقش‌های کوچکی که پیش از این در تلویزیون بازی کرده بود. اما زمانی که کیارستمی او را دید در همان لحظه اول احساس کرد که او مردی است که به‌دنبالش می‌گشته و نقش اصلی را به او داد. «مانی که به دوستانم گفتم که نقش را گرفته‌ام آنها تحت‌تأثیر قرار گرفتند و به من گفتند که کیارستمی استاد فیلمسازی است. چیزی که خودم هم در طول فیلمبرداری آن را کشف کردم.» کیارستمی علاقه‌مند است که با بازیگران غیر حرفه‌ای کار کند اما در فیلم «زروشت برابر اصل»، اولین فیلمی که در خارج از ایران ساخت و برنده بهترین بازیگر زن سال ۲۰۱۰ شد، از ژولیت بینوش ستاره فرانسوی استفاده کرد. «او دنبال یک استاد دانشگاه ۶۰ساله

گزارش تصویری

بیشتر از یک سال است که اهل تئاتر نگران حالش هستند. به گردن خیلی از تئاتری‌ها حق دارد و آتهایی که شنیده‌اند آمده‌اند که از نزدیک نمایشنامه‌اش را با صدای خود بخواند، همه خوشحالند و منتظر. از آن صدای قوی و دورگه دلنشین، نوابی خسته‌مانده اما هنوز دلنشین است و می‌داند با متن چطور بازی کند. وقتی دیالوگ می‌خواند، فراموش می‌کنی ناخوش است و نباید زیاد خسته شود؛ دومین و سومین اپیزود نمایشنامه را هم دوست‌داری بشنوی، تا اینکه یادت ببندد: از او



آن را «خلاف قانون» می‌داند.» به نقل از روابط عمومی وزارت ارشاد، اسماعیلی ادامه داد: «هر بی تلاش و کلائی تشکل موسوم به «خانه سینما»، مبنی بر اعتراض به تصمیم هیات رسیدگی به امور مراکز فرهنگی، هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ن‌زد دیوان محترم عدالت اداری و صدور رای دیوان مبنی بر ناکافی بودن دلایل هیات رسیدگی به امور مراکز فرهنگی، هنری برای برخورد با مجموعه موصوف، در مجموع، نافی وظایف و اختیارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و هیات رسیدگی به امور مراکز فرهنگی، هنری نیست.» وی همچنین گفت: «آنچه این مجموعه را برای ادامه فعالیت مجاب می‌کند رای اخیرالصور دیوان محترم عدالت اداری است؛ در متن این رای «خواسته شاکي را مطلقا وارد ندانسته»، بلکه رای هیات

در جست‌وجوی اندکی آرامش

بازگشایی «خانه سینما» به بعد موکول شد

رسیدگی به امور مراکز فرهنگی، هنسری را «در حد نقض» و البته این رای را انهایی نیز نمی‌دانند و صریحاً رسیدگی مجدد به موضوع تشکل موسوم به «خانه سینما» با رعایت موازین قانونی و مقررات مربوطه را به هیات رسیدگی به امور مراکز فرهنگی، هنسری واگذار کرده است و «این رای قطعی» است. قطعاً هرگونه فعالیت «خانه سینما» برابر این رای و همچنین اظهارنظر بعدی دیوان محترم عدالت اداری مبنی بر بازگشایی مجموعه «خانه سینما» مغایر با قانون است.» به نظر می‌رسد روند اظهارات علیه خانه سینما قرار است جلوی هر گونه فعالیت این نهاد را بگیرد.

همان‌طور که جمال شوره‌جا کارگردان «۳۳ روز» به نقل از مسایل مطرح شده در شورای عالی سینما به نقل از احمدی‌نژاد

جشنواره «کن» در آخرین دقایق

شب‌بیداری منتقدان



عکس: Reuters

نجات بچه‌محلی‌های خود از جرم و جنایت یافته است. کن لوچ در مصاحبه مطبوعاتی این فیلم به شدت از اداره درجه‌دینی فیلم بریتانیا انتقاد کرد، چون اداره برای صدور اجازه تماشای فیلم برای افراد زیر ۱۵سال باخواب‌های فیلم را سانسور کرده است. فیلم دیگری که در روزهای پایانی توجه منتقدان را به خود جلب کرده، «موتورهای مقدس» ساخته لئو کاراکس است. این فیلم اپیزودیک که آمیزهای از تزیلر جاسوسی و کم‌دی اسپرد است، با بازی اوا مندس و کابلی مینوگ، به نوشته باد ویلکینز، منتقد اسلنت مگزین با «شب‌بیداری

رفیعی با «یرما» به تالار وحدت می‌آید



شرق: دکتر علی رفیعی که این روزها از ۴ صبح تا ۲ بعدازظهر در پلاتوی تالار وحدت سرگرم تمرین با بازیگران کارگاه خود است، نمایش «یرما» را با گروه و چهره‌هایی جدید از اوایل مهر ماه سال جاری در تالار وحدت روی صحنه می‌برد. آخرین اثر روی صحنه رفته از رفیعی «شکار روباه» بود.

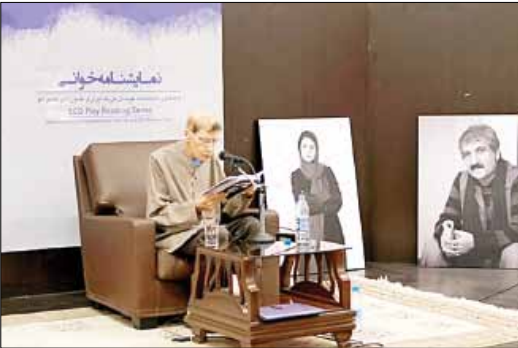
«کیارستمی» به خاطر پیرمرد، فیلمنامه را تغییر داد

می‌گشت. اما زمانی‌که ما ملاقات گرفت که مرا انتخاب کند و فیلمنامه را تغییر دهد. ۲۰سال پیرتر زمان درازی بیرون نگذاشته بود و حالا او روی فرش قرمز جشنواره کن راه می‌رود. «مانی که کیارستمی را آغاز شد عبس به من گفت که ما با هم به جشنواره کن می‌رویم، مینی؛ ولی من به کیارستمی گفتم نه من دوست ندارم به خارج از کشور سفر کنم.» او اوقات سخت و شادی را در کن سپری می‌کند. زمانی که به او خبر داده شد که برای تست بازیگری در فیلم کیارستمی انتخاب شده اصلا نام کیارستمی را هم نشنیده بود. بعد از آن آمیدوار شد که شاید نقش کوچکی در فیلم بازی کند؛ مانند بسیاری از نقش‌های کوچکی که پیش از این در تلویزیون بازی کرده بود. اما زمانی که کیارستمی او را دید در همان لحظه اول احساس کرد که او مردی است که به‌دنبالش می‌گشته و نقش اصلی را به او داد. «مانی که به دوستانم گفتم که نقش را گرفته‌ام آنها تحت‌تأثیر قرار گرفتند و به من گفتند که کیارستمی استاد فیلمسازی است. چیزی که خودم هم در طول فیلمبرداری آن را کشف کردم.» کیارستمی علاقه‌مند است که با بازیگران غیر حرفه‌ای کار کند اما در فیلم «زروشت برابر اصل»، اولین فیلمی که در خارج از ایران ساخت و برنده بهترین بازیگر زن سال ۲۰۱۰ شد، از ژولیت بینوش ستاره فرانسوی استفاده کرد. «او دنبال یک استاد دانشگاه ۶۰ساله

بیشتر از یک سال است که اهل تئاتر نگران حالش هستند. به گردن خیلی از تئاتری‌ها حق دارد و آتهایی که شنیده‌اند آمده‌اند که از نزدیک نمایشنامه‌اش را با صدای خود بخواند، همه خوشحالند و منتظر. از آن صدای قوی و دورگه دلنشین، نوابی خسته‌مانده اما هنوز دلنشین است و می‌داند با متن چطور بازی کند. وقتی دیالوگ می‌خواند، فراموش می‌کنی ناخوش است و نباید زیاد خسته شود؛ دومین و سومین اپیزود نمایشنامه را هم دوست‌داری بشنوی، تا اینکه یادت ببندد: از او

بیمار است، خسته‌اش نکند.

محمود استادمحمد، برای آت‌ها که با تئاتر دم‌خورند خاطرات بسیاری ساخته است، از «شهر قصه» تا «آسیدکاتم» و حالا نشست نمایشنامه‌خوانی است. قبل از اینکه بخواند گفت: «راستش را بخواهید من در این روزها دیگر حوصله تعارف کردن ندارم و از ته دل می‌گویم، امشب عشقم نمایشنامه خواندن نبود؛ عشقم دیدن بچه‌های تئاتر بود و خودخواهانه بگویم هرکدام از بچه‌ها که این روزها به دیدنم می‌آیند، تا یکی، دو روز حالم خوب است.



تاکید کرده است: «خانه سینما با هر عنوان دیگر، باید به عنوان کانونی در جهت تغذیه فکری، معنوی، فرهنگی و علمی صنوف عمل کند و تنها به فعالیت صنفی بپردازد. در هر صورت تأکید ایشان بر این بود که صنوف در محملی قانونی و در مجتمعی که نام آن می‌تواند باشگاه سینمایی، کانون سینماگران یا هر نام دیگر باشد، به فعالیت قانونسی و صنفی بپردازند.» وی بر تغییر اساتنامه خانه سینما تأکید کرده است. به نظر می‌رسد این روزها برخلاف ساعات اولیه میزان تناقض‌ها شکل دیگری گرفته است. در همان ابتدای ماجرا سایات وزارت ارشاد در مطلبی به نقل از رییس حوزه ریاست دیوان عدالت اداری اعلام کرد که رای دیوان عدالت اداری مجوزی برای برقراری فعالیت مجدد خانه سینما نیست. هرچند علی‌اصغر یختیاری - رییس حوزه ریاست دیوان عدالت اداری- در توضیح گفته خود، تصریح کرد: وقتی دیوان تصمیم نهادی را نقض می‌کند، وضعیت به همان حالت سابق بازمی‌گردد تا مجدداً در دستگاه مربوطه بررسی شود.

فینگان‌ها! اثر جیمز جویس قابل مقایسه است. «پسر روزنامه» لی دانلیز از آمریکا درباره تاش‌های یک خبرنگار برای اثبات بیگناهی یک محکوم به مرگ با بازی متیو مک کانهی، نیکول کیدمن، رک افرون و جان کیوزاک به نوشته پیتر بردشا منتقد گاردین یک فیلم «گیرا، هراس‌آور و سرگرم‌کننده» است که یکی از بهترین بازی‌های سال‌های اخیر خنلم کیدمن را در آن می‌توان دید. فیلم «نور بعد از تاریکی» کارلوس ریگاداس مکزکی به نوشته «لی کالین منتقد تلگراف، بعد از «موتورهای مقدس» دومین فیلم «عجیب و غریب» بخش مسابقه این دوره جشنواره است که «به شکل مایوس‌کننده‌ای بی‌هدف است.» باد ویلکینز منتقد اسلنت نیز فیلم ریگاداس را «یک نمونه درسی از اینکه چگونه می‌توان یک داستان ساده را به غامض‌ترین و پیچیده‌ترین وضع قابل درک، بازگویی کرد» دانسته است. «آنها را به نرمی کشتن» اندرو دومینیک که در آن بر د پیت نقش یک گنگستر را ایفا می‌کند به نوشته شارلوت میگینز، منتقد گاردین یک اثر سیاسی است که نشان می‌دهد بحران اقتصادی آمریکا تا چه اندازه در جرم و جنایت موثر است. وی به دیالوگ در فیلم که پیت بر زن این می‌آورد: «امریکا یک کشور نیست، یک تجارت است» و همچنین صحنه پایانی آن که در پس‌زمینه شب پیروزی براک اوباما در انتخابات ۲۰۰۸ آمریکا اتفاق می‌افتد، اشاره کرده و از برد پیت در مصاحبه مطبوعاتی مربوط به فیلم نقل کرده که این اثر از یک «شکاف بزرگ» در آمریکای امروز حکایت دارد. از میان فیلم‌هایی که در روزهای ابتدای و میانی جشنواره به نمایش در آمده‌اند، همچنان «عشق» میشایل هاکه به عنوان یکی از چشمگیرترین آثار که بخت زیادی برای پیروزی در رقابت‌های نخل طلا دارد، نام برده می‌شود و فیلم‌های آن رنه و عباس کیارستمی نیز گاهی مورد اشاره قرار می‌گیرند، با این حال باید تا آخرین لحظه صبر کرد. هنوز دقیقاً معلوم نیست که فیلم‌هایی مثل «جهان‌شهر» دیوید کاتنبرگ و «گل» جف نیکولز و همین‌طور «ره م» از کارگردان روس لور-آرنس، سترگنی لوزنیتسا که بازیانی در میان تماشاگران حرفه‌ای جشنواره کن برانگیخته‌اند.

بهبود نسبی امیر یوسفی

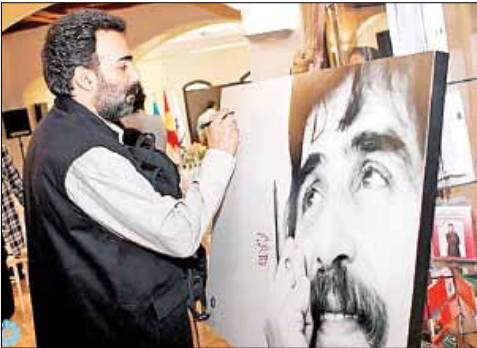


ایسنا: محسن امیر یوسفی -تهیه‌کننده و کارگردان- به- بخش عمومی بیمارستان «توس» منتقل شده است. به گفته یکی از پرستار این بیمارستان اکنون وضعیت سلامتی او بسیار بهتر است. کارگردان فیلم‌های «آتشکار» و «خواب تلخ» هفته قبل به دلیل تنگی عروق مغزی در بیمارستان «توس» بستری شده بود.



در نشست خبری‌اش به آن اشاره کرده بود. نیویورک‌تایمز در عوض از کیارستمی و فیلمش به عنوان یکی از ایده‌های اصلی کسب تعلق خلا نام می‌برد و از قول یکی از مسوولان برگزاری «سیرین» چندی پیش در سینماهای کشور به نمایش گذاشته شد. زاین‌دیلی اما برخلاف گاردین از فیلم کیارستمی تعریف کرد و با اشاره به بازی طبیعی بازیگران در این فیلم کیارستمی، آن کند تا ناشی به فهرست فیلمسازان مستقل و هنری‌سازی که بی‌توجه به سینمای تجاری در دنیا می‌درخشند و تاکنون دو بار نخل طلا را از آن خود کرده‌اند، اضافه شود.»

پیش‌خودم گفتم وقتی جمع‌شان را ببینم، خیلی حالم خوب می‌شود. خوشحالم که در این جمع از قدیمی‌ترین هنرمندان تئاتر تا جوان‌های ما حضور دارند.» استادمحمد در ادامه، نمایشنامه‌های سه اپیزودی را خواند که تا به حال به صورت حرفه‌ای اجرا نشده است. در این نمایش، زندگی یک زن از نخستین سال‌های کودکی تا حدود ۷۰سالگی‌اش مرور می‌شود. در این مراسم نمایشنامه‌نویسان و هنرمندانی چون محمد چرمشیر، دکتر قطب‌الدین صادقی و رضا میرکریمی حضور داشتند.



آینه‌های روبه‌رو

نقدی بر نمایش «آمدیم، نبودید، رفتیم»

آمدیم، خوب نبودید، رفتیم

بهمن طالبی‌نژاد

■ «چقدر طولانی بود…» «دیگه آخراش می‌خواستم کله پینوکیو رو بکنم… با اون خنده‌های هیستریکش…» نمایش «آمدیم، نبودید، رفتیم» نوشته «محمد چرمشیر» و به کارگردانی «رضا حداد» از اسفندماه سال ۹۰ در سالن اسناد سمندریان تماشاخانه «پارانشهر» به اجرا در آمد و تا پایان اردیبهشت سال‌جاری ادامه داشت. این نمایش برداشتی آزاد (بازخوانی) است از داستان «پینوکیو» مانند سایر کارهای اخیر آقای چرمشیر که به یکی از پرخرج‌ترین نمایش‌های باعجاردار آمده در تاریخ نمایش کشور تبدیل شده است، چه از نظر هزینه تولید که بسیار قابل‌توجه است و چه از نظر قیمت بلیت؛ نمایشی که در بعضی روزها به سه اجرا در شب هم کشیده است. نمایشی که از ستارگان سینما هم بی‌بهره نمانده و در سری اول اجرا از مهناز افشار استفاده کرده در چند حالا نقش او را هانیه توسلی بر عهده گرفته است. این نمایش توانسته است با اجرای متفاوت و تا حدی شلوغ انواع مخاطب چه حرفه‌ای و چه گذری را به سوی خود جلب کند. نباید از این نکته غافل ماند که این نمایش دیده شدن خود را مدیون تبلیغات وسیع و گسترده در سطح شهر است. امکانی که برای خیلی از فیلم‌های سینمایی هم وجود ندارد چه برسد به باقی نمایش‌های روی صحنه. تبلیغات تخصصی و حرفه‌ای که از در دیوار متروها و بیلبوردهای بزرگراه‌ها شروع شد و به دور زمین بازی فوتبال کشیده شد. می‌گویند بلیت‌های این نمایش قبل از اجرا همه پیش‌فروش شده بودند. این تخصصی است که خاص کارگردانی مانند رضا حداد است. همه می‌دانند که محمد چرمشیر از این کار بلد نیست. اگر معرفیتی دارد، صرفاً به دلیل خود نوشته‌هایش است نه به علت چیز دیگر، به‌شخصه مخالف این دیدگاه نیستم و خوشحالم که او این توانایی را خرج تئاتر مهجور این مملکت می‌کند؛ تئاتری که نیاز به این جلوه‌گری‌ها دارد و حداد به خوبی این تحفه را به آن ارزانی می‌دارد. حداد می‌گوید تئاتر را به عصری مولد‌مانند سینما تبدیل کند؛ تئاتری برزرق‌پور؛ تئاتری از جنس تئاتر برادوی ولی سوالی که پیش می‌آید این است که آیا اساساً ما توانایی داشتن تئاتری به این ابعاد را داریم؟ آیا امکانات فرهنگی و فنی تئاتر ما توانایی برآمنش از پس چنین خواسته‌ای را دارد؟ اجرای این نمایش ضربه استقامتی را در همین کمبود امکانات خورده است. صدسالگی ایران‌فیلدهای گران‌قیمت دولتی واردشده هم نتوانسته‌اند نامناسب بودن فضای سالن و کم بودن فاصله تماشاچی با بازیگران را جبران کنند. تازه سالن اسناد سمندریان یکی از به‌روزترین سالن‌های نمایش پایتخت و شاید بهتر است بگوییم ایران است؛ از برآمدگی ستون‌های دیوار پشت بازیگران که به عنوان برده‌ای برای نشان دادن تصاویر سه‌بعدی به کار می‌رفت بگیرد تا عدم وجود عمق میدان و جلوه‌های بصری موجود در فضای نیاز به دیده شدن داشتند. تصاویر سه‌بعدی نیاز به شکل گرفتن در فضا داشتند ولی تا همه اینها خبری نبود. ایراد اصلی از این فراتر است. بدون بدخواهی بگویم ایراد اصلی به نحوه اجرا شدن متن چرمشیر توسط صدسالگی‌ای می‌گردد. گوئی تئاتر را به اجرای فرمالیستی اثر همراه با جلوه‌های بصری سه‌بعدی و جوگیرشدن از توانایی انجام حرکات موزون به نادیده شدن متن منجر شده است و انگار متن و بازی‌ها همه بهانه‌ای هستند برای اجرائی گرت‌به‌رداری‌شده از نمایش‌های موزیکال برادوی. وقتی مخاطب پس از اجرای نمایش می‌خواهد با خود ببیندش که «خب، من چی دیدم؟» هیچ چیز خاصی در ذهنش نقش نمی‌بندد. متن‌های چرمشیر خواندن‌شان سخت است. باید موقع خواندن‌شان فضای ذهنی نویسنده‌شان را درک و در گستره متن جاری کرد تا بتوان حرف اصلی را از بین لایه‌های پنهان دریافت. متن نمایشنامه آمدیم، نبودید، رفتیم درباره انسان معاصر است؛ درباره اسارت او. فارغ از مرزهای جغرافیایی و سیاست، نمایشنامه‌نویس این دغدغه را در قالب داستان پینوکیو (با بازی خسرو پسیانی) هنگامی که توسط نهنگ بلعیده می‌شود، بیان کرده است. این دغدغه باید در ذهن تماشاچی نشست کند. در اول نمایش هم روی پرده نهنگی غول‌آسا ظاهر می‌شود و همه تماشاچیان را می‌بلعد. این یعنی اینکه هر کدام ما می‌تواند پینوکیو دلستان زندگی خود باشد. حرف اصلی متن نشان دادن نحوه برخورد انسان‌های مختلف با این اسارت است؛ نحوه برخوردی که در آن پینوکیو را به یک سلاح تبدیل می‌کند و فرشته مهربان (با بازی نگار عابدی) را هم به دستکاری‌اش وامی‌دارد. هرچند توجیه خود پینوکیو از این سلاخی‌ها به خوردی که در آن گریه نره (با بازی بابک حمیدیان) و روباه مکار (با بازی ستاره پسیانی) و پدر زیتو (با بازی رضا بهبودی) و خیلی‌های دیگر قربانی می‌شوند حتی با نحوه برخوردی کاملاً متفاوت که توسط یک لای‌کننده (با بازی سیامک انصاری) در پیش گرفته می‌شود و در نهایت به پیروزی منجر می‌شود هم روبه‌رو می‌شویم، ولی چه فایده که تمام این حرف‌ها در بین صحنه‌های نامرتبط حرکت موزون بازیگران جوان و کم‌تجربه نه‌تنها در ذهن تماشاچی نشست نمی‌کنند، بلکه در پلکزدنی از ذهنش می‌پرند. اما یکی دیگر از دلایل نشست نکردن این حرف‌ها در ذهن تماشاگران به گمان من اجرای زنده گروه «آرکوب» است که حتی از صحنه‌های طولانی و خسته‌کننده حرکات موزون و کراکت‌های نجسب موش‌های صحرایی هم به متن نمایشنامه بی‌ربط‌تر است و تمام زیبایی تراهه‌های این اجرا که توسط «روزبه بمانی» سروده شده‌اند را هم تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. این نقصان را باید به پای کارگردان نمایش آقای «حداد» گذاشت؛ کارگردانی که همه این جلوه‌های سمعی و بصری را برای نشانندن تماشاگر در سالن مورد استفاده قرار داده است.